فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۷- ۱۴۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۶

حقوق کودک در اسلام و خشونت‌های سیاسی جهان اسلام

علی فقیه حبیبی[۱]
استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۳ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۳**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

امروزه توجه به وضعیت کودکان در ابعاد مختلف در کانون توجهات جامعه بین‌الملل و ارگان‌های حقوق بشری سازمان ملل قرار دارد، تا جایی که همواره قوانین جهان‌شمول متعددی در زمینهٔ حمایت از کودکان از سوی سازمان‌های مربوطه به تصویب رسیده است. اما به‌رغم این حمایت‌ها، کودکان در بسیاری از نقاط جهان، در معرض آسیب‌های جدی قرار دارند که می‌توان به تأثیر جنگ‌های داخلی بر معیشت و حقوق کودکان اشاره کرد. اما با وجود اهمیت حقوق کودکان در اسلام، به نظر می‌رسد که تأثیر جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی، به خصوص در خاورمیانه، به شکل جدی‌تری حقوق کودکان را از خویش متأثر نموده است. در این راستا، این پژوهش با یک رویکرد جامع، به دنبال بررسی رویکرد اسلام به حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه است. در این راستا، پرسش محوری این پژوهش بر این مبنا استوار است که رویکرد اسلام به حقوق کودکان در منازعات مسلحانه چیست و چه ارتباطی میان منازعات مسلحانه کنونی در کشورهای اسلامی و حقوق کودک از منظر اسلام وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌هد که فرضیه این پژوهش بر این مبناست که کودکان به عنوان افراد غیرنظامی از مصونیت قابل توجهی در حقوق اسلامی جنگ برخوردارند و رویه‌های موجود در ارتباط با کودکان در کشورهای اسلامی دچار منازعات مسلحانه، نه تنها منطبق بر حقوق کودک بر مبنای اسلام نیست، بلکه به شکل اساسی با آن تناقض دارد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژه‌های کلیدی: حقوق کودک، درگیری‌های مسلحانه، اسلام، کشورهای اسلامی، میثاق.

1. faghih.habibi@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مقدمه

حقوق جنگ و مصونیت غیرنظامیان امروزه از جمله روندها و مفاهیم مهم در عرصهٔ روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. در این راستا، هر چند که در نظام کنونی بین‌المللی درگیری‌های مسلحانه به خصوص درگیری‌های داخلی یکی از پویش‌های غالب در عرصهٔ روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، اما قربانی شدن غیرنظامیان در جنگ‌ها، به‌خصوص جنگ‌های داخلی، باعث اهمیت یافتن حقوق غیرنظامیان در عرصهٔ عرف بین‌المللی و همچنین منشورهای مختلف حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی شده است. به همین دلیل توجه به حقوق کودکان با توجه به وضعیت خاص سنی‌شان، از اهمیت دو چندانی برخوردار است. در واقع، کودکان به دلیل آسیب‌پذیری خود بخش عمده‌ای از آوارگان جنگی را تشکیل می‌دهند. براساس آمار از بین سی میلیون آوارهٔ دنیا، ۸۰ درصد آنان را کودکان تشکیل می‌دهند و هر روز حدود ۵۰۰۰ کودک آواره به جمع آوارگان اضافه می‌شود. این کودکان آواره به دو گروه آوارگان داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که گروه دوم تحت حمایت کمیساریای عالی پناهندگان قرار دارند. نمونهٔ بارز این کودکان را کودکان آواره آفریقایی، افغانی، عراقی و فلسطینی تشکیل می‌دهند. کودکان آواره در مقایسه با بزرگسالان آواره به دلیل آسیب‌پذیری خود با خطرات جسمی و روحی بیشتری مواجه می‌شوند که حمایت ویژه‌ای را طلب می‌کند. مشکل کمبود مواد غذایی، مسکن، بیماری‌های مسری و غیرمسری، جدایی از خانواده، سربازی اجباری و حتی سوء استفاده‌های جنسی و قطع تحصیلات از جمله عواملی هستند که رشد جسمی و روحی آنان را با مشکلاتی روبه‌رو می‌سازد. حتی در اردوگاه‌ها نیز به دلیل شرایط نامناسب بهداشتی، تعارضات فرهنگی بین ساکنان اردوگاه، کمبود مواد غذایی و غیره شرایط آوارگان و به ویژه کودکان با شرایط طبیعی بسیار فاصله دارد. به طور کلی جابه‌جایی و آوارگی کودکان علاوه بر نتایج جسمی و روحی، عواقب آموزشی و تربیتی را نیز به دنبال دارد که در این زمینه می‌توان به تأخیر تحصیلی و از دست دادن انگیزهٔ تحصیلی اشاره کرد (Monshipouri and Kaufman, 2015: 14-15). در این میان، آنچه که نمود آشکاری دارد، برجستگی کشورهای اسلامی در نقض گستردهٔ حقوق کودکان در مبارزات مسلحانهٔ داخلی است.

یونیسف در گزارشی که در اوت ۲۰۱۶م درباره جنگ در سوریه منتشر کرد، اعلام کرد که ۱۳,۵ میلیون نفر از جمعیت سوریه از جنگ در این کشور تأثیر پذیرفتند که شامل ٦ میلیون

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

کودک است. براساس گزارش یونیسف در حالی که عراق در دهه ۱۹۷۰ یکی از بهترین کشورها برای کودکان در خاورمیانه و شمال آفریقا بود، اما اکنون یکی از خطرناک‌ترین کشورهاست. همچنین یونیسف در گزارشی در اوت ۲۰۱۶ اعلام کرد که ۲۱,۲ میلیون یمنی از جنگ عربستان سعودی علیه این کشور تأثیر پذیرفتند که ۹,۹ میلیون نفر آن کودکان هستند. در بحران فلسطین نیز کودکان فلسطینی از قربانیان اصلی جنایت‌های رژیم صهیونیستی هستند. از طرف دیگر، مشکلی که پیش‌روی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی وجود دارد، عدم التزام برخی کشورهای جهان به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین است و اینکه در جنگ‌های اخیر خاورمیانه با گروه‌های تروریستی و شبه نظامی روبه‌رو هستیم که اساساً التزامی به قوانین بین‌الملل ندارند و نهادهایی مانند یونیسف را در اجرای اهداف خود با موانع جدی روبه‌رو می‌سازند. همچنین، آمارهای کشته‌شدگان در جنگ‌های داخلی، ابعاد تازه‌ای از جنایات علیه کودکان را ترسیم می‌نماید. از ماه مارس سال ۲۰۱۵ تقریباً ۵ هزار کودک در یمن کشته یا به سختی مجروح شده‌اند(Sharp, 2017: 8) .

در زمینهٔ وضعیت حقوق کودکان در کشورهای اسلامی، تحلیل‌ها و مقالات متعددی از سوی مؤسسات و سازمان‌های حقوق بشری و مطالعات صلح صورت گرفته، که بیشتر بر محور نقض حقوق کودک در این کشورها تمرکز کرده است، بدون اینکه به دیدگاه اسلام درباره ماهیت حقوق غیرنظامیان در مبارزات مسلحانه توجه نماید. در واقع، به‌رغم آمار بالای تلفات کودکان در کشورهای اسلامی، به نظر می‌رسد که رویه های موجود با حقوق کودک در اسلام به شکل اساسی در تناقض است. در این راستا، این پژوهش با یک رویکرد جامع، در کنار بررسی حقوق کودک از نظر اسلام در مبارزات مسلحانه، تناسب رویه‌های موجود در مبارزات مسلحانه در کشورهای اسلامی را با حقوق کودک در اسلام مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد. پرسش محوری این پژوهش بر این مبنا استوار است که رویکرد اسلام به حقوق کودکان در منازعات مسلحانه چیست و چه ارتباطی میان منازعات مسلحانه کنونی در کشورهای اسلامی و حقوق کودک وجود دارد؟

فرضیه این پژوهش بر این مبناست که کودکان به عنوان افراد غیرنظامی از مصونیت قابل توجهی در حقوق اسلامی جنگ برخوردار و رویه‌های موجود در ارتباط با کودکان در کشورهای اسلامی دچار منازعات مسلحانه، نه تنها منطبق بر حقوق کودک بر مبنای اسلام

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نیست، بلکه به شکل اساسی با آن تناقض دارد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی بر مبنای روش کیفی است.

۱. چهارچوب نظری؛ جایگاه جنگ در اسلام

پدیده جنگ همواره در تاریخ بشری از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده است، تا جایی که مکتب‌ها و دیدگاه‌های مختلفی در مورد جنگ شکل گرفته است. از جمله مکاتبی که جنگ را به عنوان یک محور اساسی در تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل قرار داده‌اند، می‌توان به رئالیسم و لیبرالیسم اشاره کرد که به عنوان پارادایم‌های مسلط در عرصه روابط بین‌الملل به تئوری‌پردازی پرداخته‌اند. در این باره آنچه که می‌توان از این رویکردها استنباط کرد، بر این مبناست که دیدگاه‌های انسان‌شناختی و برنامه محور این مکتب‌ها، اساس تجزیه و تحلیل این رویکردها را نسبت به مسئلهٔ جنگ در عرصهٔ روابط بین‌الملل مشخص نموده است و به نظر می‌رسد که رویکرد اسلام نیز به مسئلهٔ جنگ، می‌تواند زیربنای بررسی حقوق کودک در مبارزات مسلحانه در اسلام محسوب شود. بنابراین، در این بخش برای درک جایگاه حقوق کودک به عنوان اشخاص غیرنظامی، دیدگاه اسلام نسبت جنگ بررسی خواهد شد.

اسلام در مورد جنگ دیدگاه خاص‌خود را دارد. در بیان دیدگاه کلی اسلام نسبت به جنگ، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرمایند: «مسئله جنگ و جدال و اختلافاتی که منجر به جنگ‌های خسارت‌زا می‌شود امری است که در مجتمعات بشری گریزی از آن نیست و خواه ناخواه پیش می‌آید و اگر این امر قهری نبود، انسان در خلقتش به قوایی که جز در مواقع دفاع به کار نمی‌رود، از قبیل غضب و شدت و نیروی فکری مجهز نمی‌شد. پس اینکه می‌بینیم انسان به چنین قوایی در بدن و در فکرش مجهز است، خود دلیل بر این است که وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر نیست و چون چنین است به حکم فطرت، بر جامعه اسلامی واجب است که همیشه و در هرحال تا آنجا که می‌تواند و به همان اندازه‌ای که احتمال می‌دهد دشمن مجتمع صالحش مجهز باشد خود را مجهز کند» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۷۹).

در متون اسلامی نسبت به امر پیکار و مبارزه که با تعابیری همچون «جهاد» و «قتال» مشخص شده، توجه فراوانی شده و از آنجا که این مهم به‌عنوان یکی از واجبات دینی به شمار می‌رود و در اسلام دارای جایگاه ویژه و اهمیت قابل توجهی است، مباحث بسیاری

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

درباره آن از دیدگاه‌های مختلف به عمل آمده است. قرآن و کتب حدیث اعم از عامه و خاصه مکرراً در مناسبات مختلف به بیان جنبه‌های گوناگون جهاد از قبیل اهمیت، شرایط جنگ و صلح و مسائلی از این قبیل پرداخته‌اند.

قرآن در برخی از آیات مسلمانان را امر به جنگ و جهاد کرده و آن را یکی از وظایف آنان برشمرده و حتی گروه‌هایی را که مسلمین با آنها مبارزه می‌کنند را مشخص می‌نماید. خداوند در سوره بقره آیه ۲۱٦ می‌فرماید: «حکم جهاد برای شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است ولیکن چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح در آن بوده و چه بسیار شود که چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خداوند بر مصالح امور داناست و شما نادانید»[1] و نیز خداوند می‌فرماید: «یا ایهاالنبی‌حرض المؤمنین علی القتال»[2] ای پیامبر مؤمنان را به جنگ وکارزار تشویق کن. «وقاتلو حتی‌الاتکون فتنه ویکون الدین الله»[3] و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین بر طرف شود و همه را آیین، دین خدا باشد.

دسته‌ای از آیات هستند که هدف کلی مبارزه و جهاد اسلامی را مشخص می‌نمایند یعنی «سبیل الله». بنابراین، آیات مسلمانان باید برای رسیدن به این هدف و به منظور جلوگیری از ایجاد موانعی که در این راه وجود دارد به مبارزه برخیزند. «وقاتلو هم فی سبیل‌الله و اعلموا ان الله سمیع علیم»[4] و جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا به گفتار و کردار خلق شنوا و داناست. همچنین در سوره نساء آیه ۷٦ می‌فرمایند: «الذین امنوا یقاتلون فی‌سبیل‌الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت»، اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می‌کنند.

قرآن در حالی که مسلمانان را امر و تشویق به جنگ و کارزار در راه خدا می‌کند، در پاره‌ای از آیات به بیان خصایص و ویژگی‌های دشمنان اسلام و کسانی که باید با آنها به مبارزه نمود، می‌پردازد. برخی از این گروه‌ها که در قرآن از آنها یاد شده عبارت‌اند از: گروه‌های محارب و مفسد که خداوند در مورد این گروه در آیه ۳۳ از سوره مائده می‌فرماید: «همانا کیفر آنان که با خدا و رسولش به جنگ برخیزند و در زمین به فساد بکوشند جز این نباشد

۱. کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهواشیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً وهو شر لکم و الله یعلم و انتم لاتعلمون.
۲. سوره انفال آیه ٦۵ ونیز سوره نساء آیه ۸٤.
۳. سوره بقره آیه ۱۹۳ وسوره انفال آیه ۳۹.
٤. سوره بقره آیه ۲٤٤.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

که آنها را به قتل رسانیده یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف ببرند یا به نفی بلد و تبعید از سرزمین صالحان دور کنند، این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود». گروه دیگر گروه‌های بی‌ایمان که به محرمات اسلام وقعی نمی‌نهند. در این خصوص در قرآن آمده است: «قاتلوا الذین لایؤمنون بالله و لا بالیوم الاخر و لا یحرمون ما حرم‌الله و رسوله و لایدینون دین الحق من الذین اوتو الکتاب حتی بعطول الجزیه عن ید و هم صاغرون»[1]، ای اهل ایمان به هرکس که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده و آنچه خدا و رسولش‌حرام کرده حرام نمی‌دانند و به دین وآیین اسلام نمی‌گروند، قتال و کارزار نمایید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند. علاوه بر موارد فوق با مطالعه در آیات قرآن ویژگی‌های گروه‌های دیگری را می‌یابیم که خداوند دستور جنگ با آنها را جایز دانسته است. ازجمله این گروه‌ها می‌توان به گروه دوستان و هواداران شیطان، گروه مادی‌گرایان، گروه کافران، مشرکان و منافقان، گروه ظالمان و ستمگران و ... اشاره کرد.

بدیهی است اسلام دینی نیست که بر پایه و اساس جنگ و خونریزی پایه‌گذاری شده باشد، بلکه درحقیقت باید گفت که پایه و اساس دین اسلام بر صلح و دوستی استوار است. طبق نص صریح قرآن، در اسلام صلح و دوستی بهتر ازجنگ و خونریزی می‌باشد.[2] اما با توجه به رفتاری که افراد و گروه‌های مختلف غیرمسلمان با مسلمین در مقابله با اسلام اتخاذ می‌کنند، مسلمین نیز ناچار باید با این‌گونه رفتارها مقابله نموده و به جهاد برخیزند. همچنین، در اسلام و قرآن جنگ و کارزار با برخی از افراد منع شده و آنها کسانی که در جنگ شرکت ندارند و به عنوان افراد غیرنظامی یاد می‌شوند که در این میان کودکان از اهمیت به سزایی برخوردارند.

۲. کودک از نظر اسلام

تعریف کودک در فقه اسلامی، برای شناخت حقوق کودک در طول مبارزات مسلحانه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. بنابراین، در این بخش ضمن تعریف کودک از نظر اسلام، حقوق کودک در طول مبارزات مسلحانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. کودک یا طفل در فقه به فردی اطلاق می‌شود که به بلوغ شرعی نرسیده است. قرآن کریم در برخی از آیات[3]

۱. سوره توبه آیه ۲۹.
۲. والصلح خیر، سوره نسا آیه ۱۲۸.
۳. سوره‌های نور/ ۵۹، نساء، انعام/ ۱۵۲، یوسف/ ۲۲، اسراء/ ۲٤، کهف/ ۸۲، حج/ ۵، قصص/۱۳، نمل/ ٦٦، احقاف/ ۱۵.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

به موضوع معیار دوره کودکی و پایان این دوره پرداخته و معیارهایی سه‌گانه را برای پایان دوره طفولیت ذکر کرده که عبارت‌اند از: بلوغ الحلم، بلوغ النکاح، بلوغ رشد. با توجه به این معیارها می‌توان گفت که موضوع بلوغ در قرآن‌کریم با تعبیرات مختلفی آمده و سن مشخصی را به‌عنوان سن بلوغ ذکر نکرده و در امر بلوغ هم به رشد جسمی و هم به رشد روحی و عقلانی توجه نموده است. در میان فرق اسلامی، شافعیان و حنابله سن بلوغ را در دختران و پسران ۱۵سالگی و مالکیان ۱۷سال می‌دانند. حنفیان نیز سن بلوغ را برای پسر ۱۸ سال و برای دختر ۱۷ سال ذکر کرده‌اند (علامه حلی، ۱٤۱۹: ۱۹۵/۲). فقه امامیه اکثراً سن بلوغ را برای پسر ۱۵سال و برای دختر ۹ سال تمام قمری می‌دانند. گرچه برخی متأخرین شیعه بلوغ دختران را در ۱۳ سالگی محقق دانسته‌اند. با این همه سن بلوغ شرعی براساس نظر بیشتر فقها ۹ سال برای دختران و ۱۵سال برای پسران می‌باشد. البته فقها علاوه بر این نشانه‌های دیگری همچون روییدن موی خشن زیر بغل وعانه فرد و احتلام را نیز شرط بلوغ دانسته‌اند و در دختران عادت ماهانه و حمل اماره بلوغ محسوب می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۳. اسلام و حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه

محدودیت عملیات نظامی در دایره هدف‌های نظامی و استراتژیک یکی از اصول مسلم جنگ‌ها در اسلام است. جنگ‌ها نظامیان را رو در روی یکدیگر قرار می‌دهد و نه مردم را. بنابراین، تا آنجا که ضروریات نظامی ممکن می‌سازد، باید غیرنظامیان از تعرض مصون باشند. اصل اسلامی فوق نتایج بسیاری را به دنبال دارد. ممنوعیت جنگ با مردم غیرنظامی، تمایز بین جنگجو و غیرجنگجو، منع جنگ با افراد بی‌سلاح، مجروح، بیمار، زن کودک، پیر و ... از آن جمله است. بر این اساس کاربرد سلاح-هایی که علاوه بر نظامیان، مردم بی‌سلاح و بی‌پناه را به کشتن دهد، نهی شده است. تاکتیک‌های نظامی که باعث کشته شدن زنان، کودکان وغیرنظامیان شود، ممنوع می‌باشد.

تاکتیک‌های تخریبی و انهدامی از قدیم مورد بحث فقهای اسلامی بوده و همهٔ آنها به کاربردن این قبیل تاکتیک‌ها را جز در موارد ضروری که مشروحاً مشخص کرده‌اند، جایز نشمرده‌اند. ممنوعیت انهدام منازل و باغات و دژهای دشمن، بستن آب اردوگاه یا شهر دشمن، گلوله باران قلعه‌هایی که به جز نظامیان دشمن، غیرنظامیان نیز در آنجا حضور دارند،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

سوزاندن شهر، مزارع و باغ‌ها ازجمله مواردی است که در کتب فقهای بزرگوار مورد بحث و ملاحظه قرار گرفته است. اما اسلام زمانی ظهور کرد که مصریان، آشوریان، یهودیان و رومیان و ... در حین و پس از جنگ رفتار و اعمال زشت و ناپسندی را با کسانی که حتی در جنگ شرکت نداشتند، انجام می‌دادند. ازجمله آتش زدن و ویران کردن، غارت شهرهای دشمن، زجر و شکنجه زنان و کودکان در برابر چشم خانواده و انظار عمومی را می‌توان نام برد. اما با ورود اسلام این اعمال ظالمانه و شنیع ممنوع گردید و کسانی که در جنگ شرکت نداشتند، نه تنها از تعرض و بی‌احترامی در زمان جنگ مصون بودند، بلکه با احترام و محبت و رعایت تمام جوانب انسانی با آنها رفتار می‌شد (بیگدلی، ۱۳۸۰: ۱٤٥).

طبق اصول کلی حقوق بشردوستانه اسلام، دشمنان به عنوان انسان‌هایی به حساب می‌آیند که قابلیت هدایت و سوق به سوی حق و حقیقت را دارند و این یک تکلیف است که بین دو دسته افراد؛ یعنی نظامیان و غیرنظامیان در منازعات مسلحانه با هر ماهیت و شکلی تفکیک قائل شد و خصومت فقط بین نیروهای مسلح مجاز می‌باشد و این نکته به صراحت در قرآن اعلام شده است. آنچه امروزه حقوق بشردوستانه نامیده می‌شود و هدفش حفظ جان، مال و حیثیت غیرنظامیان، مجروحان، اسرا و کسانی که در جنگ شرکت نکرده‌اند می‌باشد، از آغاز مورد توجه اسلام بوده است و دین اسلام این هدف انسانی را به طور جدی مدّنظر داشته است. شاید مهم‌ترین مبنای حقوق بشردوستانه در اسلام این باشد که اگر قرار است جنگ و خشونتی رخ دهد، باید عادلانه باشد (علیخانی، ۱۳۸۸: ٤).

۳-۱. حمایت عام از کودکان در مخاصمات مسلحانه

در آیین آسمانی اسلام است که برای نخستین بار از کودکان و زنان، سالخوردگان و سایر افراد نیازمند به حمایت، حمایت صورت گرفته و قرن‌ها بعد در کنوانسیون‌های بین‌اللملی، با عنوان حقوق بشردوستانه این مقررات مورد توجه قرار گرفته است. تردیدی نیست اصول انسانیت و اخلاق دو اصل بنیادین در آموزه‌های دینی است که در همه حال حتی در مخاصمات، رعایت کردن آنها برای همه الزامی و ضروری است. افزون بر این مفهوم اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان واهداف نظامی و غیرنظامی ریشه در آیات قرآن کریم، سنت، سیره نبوی و رفتار معصومین(ع) دارد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

خداوند در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید: «وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولاتعتدواان‌الله لایحب المعتدین»، با کسانی که با شما آغاز جنگ می‌کنند، نبرد کنید و از حد بیرون نروید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد.

از تفسیری که مفسران دربارهٔ این آیه نموده‌اند می‌توان این پیام‌ها را دریافت کرد:

الف) کسانی که با شما سرجنگ ندارند با آنان آغاز جنگ نکنید.

ب) از حدود مقرر در جنگ و جهاد خارج نشوید. (رعایت حقوق جنگ)

ج) زنان، کودکان و سالخوردگان را در جنگ هدف قرار ندهید.

از تفسیر مفسران به صراحت می‌توان به مفهوم تفکیک نظامیان و غیرنظامیان در جنگ‌ها پی برد. مفهوم حقوقی این آیه در حوزه جنگ به صراحت از سوی دولت‌های اسلامی در سال‌های آغازین قرن هشتم میلادی اعلام شده است. در روایت است که از عمربن عبدالعزیز، والی اموی پرسیده‌اند: «مقصود از این آیه چیست؟» وی پاسخ می‌دهد: مقصود آن است که در جنگ تعرض به کودکان، زنان و کسانی که با مسلمانان نمی‌جنگند، ممنوع شده است.

نهی ازکشتن غیرنظامیان در جنگ‌ها همیشه مورد حمایت اسلام بوده است. به طوری که پیامبر اسلام (ص) هرگاه گروهی را برای مراقبت‌های نظامی (سریه) می‌فرستادند، به آنها می‌فرمودند: «پیران فرتوت، زنان و کودکان را نکشید و درختان را جز در صورت ناچاری از بین مبرید». همه بزرگان دینی در جایز نبودن کشتن زنان و کودکان در جنگ متفق‌اند. به خصوص زمانی که آنها در جنگ شرکت ندارند و در چنین حالتی نباید آنان مورد حمله و هدف قرار گیرند و حتی در روایات آمده است که از کشتن کودکان و زنان اگرچه در جنگ هم شرکت نموده‌اند، پرهیز شود مگر در صورت ناچاری.

به اجماع فقهای اسلام، زنان و کودکان از تعرض مصون‌اند و مستند فتوای فقیهان، سنت قولی و عملی پیامبر(ص) و جانشینان پس از آن حضرت است. همچنین به نظر بسیاری از مفسران، کشتن کودکان از مصادیق اعتداء و خروج از حد است که در آیه ۱۹۰ سوره بقره نیز از آن نهی شده است. اگر زنان و کودکان سپر قرار گیرند حکم اولی بر حرمت هدف قرار دادن آنان است ولی در صورت ضرورت و ناچاری یعنی در صورت وجود درگیری شدید که بیم آن می‌رود که دشمن پیروز شود، در آن صورت تیراندازی به طرف آنان جایز خواهد بود، ولی نباید کسی قصد و نیت کشتن آنان را بنماید. چنانچه ضرورتی نباشد یعنی درگیری

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

شدید نباشد یا رزمندگان دشمن در سنگرها و مکان‌های امن استقرار داشته و در درگیری حضور نداشته باشند، در این صورت نمی‌توان سپر انسانی را هدف قرار داد. زیرا اولاً کشتن زنان و کودکان در جنگ ممنوع بوده و ثانیاً کشتن آنها تأثیرگذار در جنگ نیست. آنچه از آیات و روایات برمی‌آید و در کتب فقها نیز آمده است، عدم جواز قتل کودکان، زنان و ... است. در روایات آمده است هنگامی‌که حضرت محمد(ص) متوجه شدند عده‌ای از مسلمانان به تأسی از دشمن، تعدادی از کودکان را به قتل رسانده‌اند به خشم آمده و فرمودند: «چرا عده‌ای امروز آنقدر ستیزه‌جو هستند که به قتل صغار (کودکان) دست می‌زنند».

۳-۲. احکام فقهی منع، شرکت و کشتن کودکان و غیرنظامیان در جنگ

یکی از اصول و قواعدی که درکنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی در ارتباط با رعایت حقوق بشردوستانه توسط اغلب کشور بر آن تأکید و اصرار فراوان شده، این است که شرکت اطفال در جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه ممنوع است. این اصل (منع شرکت اطفال در جنگ) در فرهنگ اسلامی و فقه اسلام فراتر از آنچه به تصویب گروه‌های طرفدار حقوق بشر و جمعیت‌ها و کشورهای حامی آن رسیده، آمده است. در این خصوص روایات متعددی از امامیه آمده است که شرکت اطفال و کودکان در جنگ‌ها را ممنوع کرده‌اند. از جمله اینکه از پیامبراسلام (ص) نقل شده است که ایشان جنگ و جهاد را برای کودکان جایز ندانسته و می‌فرمایند: «لیس‌علی العبید جهاد مااستغنی عنهم ولا علی النساء جهاد ولا علی من لم یبلغ الحلم»، بر بردگان جهاد واجب نیست تا هنگامی که از آنها بی‌نیازی حاصل شود (آزاد شوند) و نیز بر زنان و کودکان جهاد واجب نیست تا زمانی که به حد حلم (تکلیف) نرسند. همچنین در این خصوص روایات دیگری نیز آمده ازجمله اینکه: «عن ابی‌عمر قال عرضت علی رسول الله(ص) فی‌جیش و انا ابن اربع عشره فلم یقبلنی ثم عرضت علیه من قابل فی جیش وانا ابن‌خمس عشره فقبلنی». این روایات حکایت از آن دارد که در اسلام برای شرکت افراد در جنگ قواعد و مقررات خاصی حاکم بوده است و افراد زمانی می توانستند درجنگ شرکت نمایند که به سن تکلیف (۱۵سال) برسند و در غیر این صورت از شرکت آنان در جنگ ممانعت به عمل می‌آمده است. شرکت افراد نابالغ در جنگ مورد نهی شارع اسلام قرار گرفته است. همچنان که ملاحظه می‌گردد این موارد در کنوانسیون‌های ژنو نیز مورد تأکید

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

قرار گرفته و این نشان‌دهنده این است که اسلام منع و نهی از شرکت کودکان را از ابتدا یعنی بیش از هزار و چهارصد سال پیش مدنظر و توجه قرار داده است.

ازجمله اصول و قواعدی که رکن اساسی و پایهٔ کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی بشردوستانهٔ بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، عبارت است از منع کشتار اطفال، زنان و افراد غیرنظامی. تصویب این اصول که مایهٔ افتخار و مباهات بشر قرن بیست ویکم است، هرچند مهم‌ترین اثر را در بازدارندگی داشته، اما به ندرت توسط طرف‌های درگیر رعایت شده است. برای مثال می‌توان به حمله ابرقدرت‌ها به افغانستان و عراق اشاره کرد که هزاران نفر ازجمله کودکان بی‌گناه کشته یا مجروح شده‌اند و حتی آمار آن روز به روز روبه افزایش است و همچنین، حملات رژیم غاصب صهیونیستی با بمب‌های لیزری هدایت شونده و بمباران‌های پی‌درپی فلسطینیان که امریکا و هم‌پیمانانش در اختیار این رژیم قرار می‌دهند. ازجمله کشته شدن ۵۰ نفر از مردم منطقه «قانا» که اکثر کشته‌شدگان را کودکان و زنان تشکیل می‌دادند. در هر صورت این اصول در عصر جاهلیت و توحش عرب که ادعای تمدن و جانبداری از حقوق بشردوستانه را دارد، از سوی پیشوایان دین مقدس اسلام مورد تأکید قرار گرفته و با بیانات گوناگون این مطلب ابراز شده است. در اسلام روایات متعددی وجود دارد که حمایت‌های خاصی از کودکان در جنگ شده است. ازجمله حمایت‌های خاص می‌توان به‌ممنوعیت تعرض به کودکان در جنگ، ممنوعیت سربازگیری و مشارکت مستقیم کودکان در جنگ و بازگشت کودکان به خانواده اشاره کرد.

روایات متعددی از طریق علما و فقهای اهل سنت و اهل تشیع در ممنوعیت تعرض به کودکان در جنگ آمده است. روایت‌کنندگان به‌صراحت نقل می‌کنند که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام از کشتن‌کودکان نهی فرموده‌اند، آنجا که می‌فرمایند: «ولا تقتلوا امراه ولاولیدا». آن حضرت هرگاه گروهی را برای مراقبت‌های نظامی (سریه) می‌فرستادند، آنان را درکنار خویش می‌نشاندند و می‌فرمود: «سالخوردگان، زنان و کودکان را نکشید». هرچند در زبان روایات از مصداق کامل تعرض یعنی کشتن کودکان نهی شده، واضح است که مقصود، رعایت حق حیات آنان و عدم خشونت علیه کودکان می‌باشد. صاحب جواهر، فقیه برجسته شیعی، پس از نقل این حدیث پیامبر(ص)که فرمودند: پیران وکودکان‌را زنده نگه دارید[1]،

۱. واستحیوا شیوخهم صبیانهم «علی معنی استبقائهم».

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

می‌افزایند مقصود «استبقاء» آنان است. در برخی از روایات آمده که پیامبر(ص) درشرایط مناقشه فرموده «واستحیوا شرخهم» یعنی جوانان آنان را باقی‌گذارید (طبرسی، ۱٤۱۵: ۲۰٤/۲). به نظر لغت‌شناسان متون روایی «شرخ» کسانی هستند که نزدیک به سن بلوغ‌اند و عنفوان جوانی و قدرت آنها فرا رسیده است. همچنین این واژه را به معنی «خفیف» یعنی آسیب‌پذیر هم به کار برده‌اند. واژه«استبقاء» در ادبیات عرب به –معنی حفظ و نگهداری برای تداوم زندگی است. بنابراین، شکی نیست که در آموزه‌های اسلام نقص عضو، ربودن، تعرض‌جنسی و مانند آن با آموزه‌های اسلام و بلکه هر دین دیگر ناسازگار است. در متون فقهی تصریح شده است که حتی اگر دشمن از جرایم عفافی و تجاوز جنسی به‌عنوان یک روش جنگی علیه مسلمانان استفاده نماید، مسلمانان در پاسخ نمی‌توانند از این روش استفاده کنند. چون اسلام دین اخلاق و انسانیت است و این رفتارها و کنش‌ها با آموزه‌های اخلاقی اسلام سازگار نیست. البته در صورت دسترسی به مرتکبان این جنایات آنها محاکمه و مجازات می‌شوند. این دسته از محرمات از این‌رو پاسخ داده نمی–شوند و عکس‌العملی را از سوی مسلمانان دریافت نمی‌کنند که اولاً در سرنوشت جنگ هیچ تأثیری نداشته و به پیروزی نیز کمک نمی‌کنند و ثانیاً از کینه‌توزی، انتقال و تشفی‌خاطر انسانی مرتکبان خبر می‌دهد. همچنین، در این خصوص در اسلام دلیل خاص و فتوایی بر ممنوعیت مثله کردن بدن دشمن است که مثله کردن بدن دشمن را منع نموده است، حتی اگر آنان با مسلمانان چنین عملی را انجام داده باشند.

۳–۳. ممنوعیت سربازگیری و شرکت مستقیم کودکان در جنگ

سربازگیری و مشارکت مستقیم کودکان زیر سن بلوغ در جنگ قرن‌هاست که از سوی فقیهان مسلمان ممنوع شده است. علامه حلی می‌گویند: «کودکان به این دلیل که ناتوان از جنگیدن هستند در مخاصمات شرکت نمی‌کنند». سیره عملی پیامبر اسلام (ص) نیز خود گواه بر منع مشارکت کودکان در جنگ است. در جنگ احد آن حضرت به کودک ۱٤ساله‌ای که داوطلب نبرد شده بود اجازه شرکت و مبارزه ندادند. این موضوع نشان‌دهنده این است که اسلام شرکت کودکان زیر سن بلوغ (۱۵سال) را مجاز ندانسته و حمایت از کودکان را مدنظر داشته است. روایات متعددی در به کار نگرفتن کودکان در جنگ در اسلام وجود دارد که همه آنها دلالت بر ممنوعیت شرکت کودکان در منازعات دارد. به هرحال اگر تحولات

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

احتمالی وشرایط زمان، سن ناتوانی را بالاتر منظور نماید، این امر هیچ‌گونه مانعی بر اساس برداشت فقیهان جعفری در برابر دولت اسلامی نیست تا تعهدی جدید در حمایت بیشتر از کودکان در عرصه بین‌المللی را بپذیرد. زیرا چنین تعهدی همه کودکان جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان را درحمایت خود قرار می‌دهد. با این تعهد دولت مکلف می‌گردد با وضع قوانین، سن سربازگیری اجباری و داوطلبانه را در مخاصمات تعیین نماید.

هرچند مقررات موجود حقوق بین‌الملل، سربازگیری زیر سن ۱۵سال را ممنوع نموده و از سن ۱۵تا ۱۸سالگی اولویت را به سن بالاتر می‌دهد، اما سن سربازگیری داوطلبانه نیز باید به طور روشن مشخص شود. نکته جالب توجه این است که حداقل سن برای شرکت در جنگ، در حقوق بشردوستانهٔ بین‌المللی در حالی ۱۵سال اعلام گردیده که دقیقاً همین محدودهٔ سنی در اسلام، در بیش از هزار سال قبل تعیین شده بود که انتخاب محدوده سنی مشترک در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اسلامی و قدمت بیش از هزار ساله آموزه‌های اسلام، نمی‌تواند دور از واقعیت باشد که تدوین‌کنندگان حقوق بشردوستانهٔ معاصر، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، متأثر از این‌آموزه‌های آسمانی بوده‌اند (آبادی، ۱۳۸۹: ۸-۷).

۳-٤. حق بازگشت‌کودک به خانواده

کودکان قربانی‌جنگ نیازمندحمایت ویژه هستند. ازجملهٔ مهم‌ترین حمایت‌ها از آنان، بازگشت به خانواده است. خانواده اولین مکانی است که کودک در آن می‌تواند در کنار سایر افراد خانواده رشد نماید و خود را برای خدمت به جامعه‌آماده نماید. خانواده به خصوص پدر و مادر از نظر روحی و روانی بر کودک تأثیرات خاص می‌گذارند و از نظر جسمی نیز کودک در کنار خانواده بهتر می‌تواند رشد کند. بازگشت کودکان آواره و بی‌سرپرست به خانواده مورد تأکید دین اسلام است و از رفتار، کردار و فرمایشات بزرگان دینی نیز چنین منظوری استنباط می‌شود. این حمایت علاوه بر آنکه از مفهوم (استبقاء) برمی‌آید، نوعی همکاری بر نیکی و تقوی است، که قرآن کریم بر آن تأکید فراوان نموده است. خداوند در آیه ۲ سوره مائده می‌فرمایند: «وتعانواعلی‌البر والتقوی». پس اولین وظیفهٔ دولت اسلامی و مسلمانان این است که کودکان درگیر جنگ را به خانواده‌های آنان برگردانند، در غیر این صورت چنان‌چه بازگرداندن آنان به خانواده‌هایشان امکان‌پذیر نباشد، دولت اسلامی و مسلمانان وظیفه دارند

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مکانی امن و پناهگاهی ایمن برای آنان درنظر بگیرند. به دلیل نیاز کودک به محیط امن و عاطفی، کودکان ترجیحاً در پناه یک خانوادهٔ جایگزین زندگی‌خواهند کرد. خانوادهٔ جایگزین هرچند ممکن است جای اصلی خانواده کودک را پر نکند اما می‌تواند این انتخاب نوعی حمایت از کودکان تلقی گردد. چنان‌چه یافتن و بازگرداندن کودک به خانواده امکان‌پذیر نباشد، در این شرایط کودکان به مراکز بهزیستی سپرده می‌شوند.

بدیهی است در مورد اسکان کودکان در مراکز بازپروری یا مراکز بهزیستی لازم است که نیازهای اساسی کودکان ازجمله تغذیه، پوشاک و خدمات بهداشتی و آموزشی به نحو مطلوبی تأمین گردد. به ویژه لازم است با مشارکت دادن آنان در برنامه‌های متنوع، از آسیب‌های جسمی و روحی وارده به آنان کاسته شود. چنان‌چه یک دولت بتواند با انعقاد یک معاهده و پیمان بین‌المللی کودکان سرزمین اسلامی را از بلایای جنگ دور سازد، این کار بر دولت اسلامی لازم خواهد بود، زیرا این پیمان و معاهده تعهدات متقابلی را فراهم می‌سازد که کودکان از برخی صدمات جنگ دور بمانند. در این‌گونه معاهدات و توافقات دولت‌ها متعهد خواهند بود که کودکان را درجنگ شرکت ندهند و چنان‌چه کودکان در جنگ دچار آسیب گردند، اقدامات حمایتی لازم از آنان تا بازگشت به خانواده صورت گیرد. پس همان‌طور که ذکر شد بر افراد، نهادهای مردمی و دولت لازم است در حد توان و امکانات از بروز خشونت علیه کودکان در مخاصمات جلوگیری نمایند. براساس آنچه فقیهان در حمایت از کودکان در جنگ‌ها آورده‌اند، دولت اسلامی وظیفه دارد کسانی که کودکان‌را در مخاصمات مسلحانه مشارکت می‌دهند یا آنها را هدف قرار می‌دهند، به‌عنوان مجرمان جنگی تحت تعقیب قرار داده، محاکمه و مجازات نمایند. در هرصورت چه دولت اسلامی به پروتکل الحاقی خاص حمایت از کودکان در مناقشات بپیوندد یا خیر، آموزه‌های اسلام از کودکان در مخاصمات همواره پشتیبانی خواهد کرد.

۴. حقوق کودک و مبارزات مسلحانه در جهان اسلام

مسئلهٔ رعایت حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه یکی از موضوعات و مشکلات اساسی در جوامع امروزی اسلامی محسوب می‌شود. چرا که یک سوم کشورهای اسلامی در چند سال اخیر درگیر جنگ‌های مذهبی و سیاسی بوده‌اند. کودکان که هیچ گناهی درمورد انگیزه‌ها

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

و اهداف مشروع جنگ ندارند، معمولاً بیشترین صدمات را از کار بزرگ‌ترها می‌بینند. جنگ نه تنها حق حیات که یکی از اساسی‌ترین حقوق کودک است را نقض می‌کند، بلکه حق آموزش، تفریح، امنیت و... را در معرض تهدید قرار می‌دهد و مخالف و ناقض رعایت منافع عالیه کودک است. براین اساس است که کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی خود وظیفه اصلی و اولیه دولت‌ها را جلوگیری از جنگ می‌داند، چرا که هر سال جنگ‌ها و خشونت‌ها جان هزاران انسان بی‌گناه را می‌گیرد. در جمادی‌الاول سال ١٤٢٦ هـ‌ق، تیرماه ١٣٨٤هـ‌ش، مطابق با ژوئن ٢٠٠٥ میلادی میثاق حقوق کودک در اسلام توسط اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضوکنفرانس اسلامی در صنعا، پایتخت یمن، تصویب و برای الحاق کشورهای عضو سازمان گشوده شد. تدوین وتصویب این میثاق حاکی از لزوم توجه به اهمیت وضعیت کودکان در کشورهای اسلامی است. حدود ششصد میلیون (یعنی بیش از یک چهارم دومیلیارد) جمعیت کودک جهان در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند. این تعداد بیش از٪٤٠ از جمعیت این کشورهاست (Mosaffa, 2011: 44).

گذشته از وضعیت عمومی کودکان در بسیاری ازکشورهای‌اسلامی که مشکلات بهداشتی، آموزشی و آثار ناشی از فقر و عدم برابری اجتماعی را تحمل می‌کنند، تعارضات سیاسی، فرقه‌ای و مذهبی در یک‌سوم از کشورهای اسلامی در جریان است و بیشترین آثار را بر روی زندگی زنان وکودکان در ابعاد گوناگون به شکل کشته و مجروح شدن، پناهندگی، مثله شدن، آزارهای جنسی وغیره داشته است. اشغال که نمونه‌های بارز و عینی آن در فلسطین، عراق و افغانستان وجود دارد، در سال‌های متمادی موجب کشته شدن ده‌ها هزار کودک بی‌گناه شده است. همچنین، کودکان جنوب سودان و لبنان، بخش عظیمی از صدمات جنگ را متحمل شده‌اند. آمارها حاکی از وضعیت عمومی بد دختر بچه‌ها در تعارضات به ویژه تحمل خشونت نسبت به خود است (UNICEF, 2005: 1-15).

در مقدمهٔ این میثاق به رنج کودکان پناهنده و کودکانی که تحت سیطره اشغال، شرارت یا آوارگی ناشی از منازعات مسلحانه و قحطی به سر می‌برند و بدین سان موجبات گسترش خشونت در میان کودکان و افزایش تعداد کودکان معلول جسمی، روحی و اجتماعی را فراهم می‌آورد، اشاره گردیده است. در قسمت اجرایی در ماده «٧» میثاق، با عنوان حمایت از کودکان، در بند «٥» به حمایت از کودکان به واسطه درگیر نکردن آنها در منازعات مسلحانه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

و جنگ‌ها پرداخته شده و در ماده «۱۹» با عنوان عدالت در بخش «ج» بند «۳» اشاره می‌کند که در صورت نیاز کمک‌های حقوقی و بشردوستانه شامل دسترسی به یک وکیل و در صورت لزوم یک مترجم برای کودک فراهم شود. همچنین ماده «۲۱» به کودکان پناهنده اشاره می‌کند که کشورهای عضو تا حد امکان از بهره‌مندی کودکان پناهنده یا آنهایی که به طور قانونی مشابه چنین وضعیتی را اکتساب نموده‌اند، حمایت می‌کنند. حال با توجه به آنکه حتی در زمان تدوین کنوانسیون حقوق کودک عقیده بر آن بود که مقررات کنوانسیون در رابطه با حمایت از کودکان در جنگ نباید کمتر از مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ باشد، کشورهای اسلامی نیز همگی به جز سومالی، کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته‌اند.[۱]

همان‌طور که ذکر شد، در حال حاضر یک سوم از کشورهای درگیر تعارضات به اشکال مختلف سیاسی و فرقه‌ای ـ قومی وجود دارند که آثار ناشی از این تعارضات را می‌توان در این کشورها به وضوح ملاحظه کرد. این وضعیت خاص زمان حاضر نیست. نگاهی اجمالی به تاریخ جنگ فرانسه علیه الجزایر و مبارزات آزادی‌بخش در کشورهای اسلامی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی شاهد این مدعاست. وضعیت غم‌بار کودکان فلسطینی و در مجموع خاورمیانه، خشونت نسبت به زنان و کودکان، آثار سوء تحریم‌های اعمال شده از طرف شورای امنیت در دهه ۹۰ میلادی که در میان همهٔ کشورهای مورد تحریم مانند عراق، لیبی، یوگسلاوی، سودان و سومالی موجب مرگ ومیر کودکان به‌ویژه کودکان زیر ۵ سال به چند هزار نفر در ماه شده، حملات ناتو به «کوزوو» و پناهندگی هزاران کودک به‌همراه خانواده‌های خود در این راستا قابل تأمل‌اند. همچنین، حمله آمریکا و متحدانش به افغانستان و عراق و درگیری‌های داخلی در سوریه که عوامل خارجی در آن نقش عمده را ایفا می‌نمایند، جان هزاران کودک را گرفته یا اینکه آنها را با مشکلات خاصی روبه‌رو کرده است. اینک به بررسی اجمالی درخصوص وضعیت کودکان در برخی از کشورهای اسلامی و آثار تعارضات مسلحانه بر آنان می‌پردازیم.

٤-١. وضعیت کودکان و آثار جنگ بر آنان درافغانستان

درحالی که حمله آمریکا و متحدان ناتو به افغانستان در سال ۲۰۰۱م، آثار دهشتناک خود

۱. مصفا، نسرین (۱۳۸٦). میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی. مجموعه مقالات همایش.اسلام.و حقوق بین‌الملل بشردوستانه. ص ۲ و ۱.

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

را بر روی کودکان افغانستان که خود و پدرانشان سال‌ها تحمل صدمات اشغال شوروی و تعارضات داخلی را کرده بودند، فاجعه می‌باشد، ولیکن ظهور دوباره طالبان نیز موجب افزایش رنج و آسیب مجدد گردیده است. گزارشات نمایندگان سازمان ملل متحد در امور کودکان ازجمله کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد و نیز گزارش دبیرکل حکایت از آن دارد که هرساله تعداد زیادی ازکودکان در افغانستان به‌دلیل شیوهٔ غلط آمریکا در مبارزه با تروریسم قربانی می‌شوند. در گزارش دبیرکل به استخدام کودکان رزمنده توسط طالبان اشاره شده است و تعداد کودکان سرباز و درگیر جنگ را قریب به ٧٤٤٤ نفر برمی‌شمرد. همچنین، حملات به مدارس توسط شورشیان موجب بسته شدن چندین مدرسه در ایالات مختلف شده و هزاران دانش‌آموز در مناطق جنوبی این کشور به دلیل فقدان امنیت، از تسهیلات آموزشی محروم گردیده‌اند. براساس گزارش سازمان ملل که در ماه آوریل منتشر شده، در بمباران–های ناتو و ارتش افغانستان در سال ۲۰۱۱ م، بیش از ۱۱۰ کودک کشته و حدود ۷۰ نفر دیگر مجروح شده‌اند. کمیته حقوق کودک سازمان ملل ضمن انتقاد از شانه خالی کردن ارتش آمریکا از کشتار گستردهٔ کودکان افغان و دیگر کودکان، تصریح کرد که این جنایات علیه کودکان ناشی از «عدم اتخاذ اقدامات پیشگیرانه» و «استفاده بیش از حد از زور» توسط آمریکاست. نظامیان آمریکایی در افغانستان به‌دنبال تأیید حملات هوایی خود هستند و گفته‌اند: ارتش تنها برای بمباران کردن مردان بزرگسال نیامده، بلکه می‌تواند کودکان را نیز بمباران نماید. ارتش در توجیه این امر آورده است که طالبان از برخی کودکان برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. بنابراین، کشتن آنها کاملاً قانونی است و این کودکان را، مردان نظامی بالغ و ظرفیت‌های بالقوه خطرناک می‌نامند. تعریف آنها از مردان نظامی بالغ مورد انتقاد منتقدان بوده است. منتقدان می‌گویند این تعریف توجیهی برای کشتار افراد ناشناخته است(United Nations Human Rights, 2014:1-8) . با این تعریف تمامی مبارزان، مرد بالغ به–عنوان شورشی و افراد غیرشهروند تلقی می‌شوند، مگر خلاف آن ثابت شود. اگر چنین باشد میزان کشتار غیرنظامیان بیشتر خواهد شد. با چنین استدلالی می‌توان افراد غیرنظامی را هدف قرار داد، در صورتی که آنان مستقیماً در عملیات خصمانه نقش نداشته باشند.

کمیته حقوق کودک سازمان ملل از آمریکا می‌خواهد کودکان زندانی را از بزرگسالان جدا کرده و به آژانس‌های بشردوستانه بین‌المللی ویونیسف (صندوق حمایت ازکودکان سازمان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ملل) اجازه دهد از بازداشتگاه‌های کودکان بازدید نمایند تا بتوانند کمک‌های قانونی لازم را به آنها ارائه دهند. در گزارش دیگری که از سوی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) منتشر گردیده اعلام شد که خشونت علیه کودکان افغان، نقض‌حقوق کودکان به علت حمله به مدارس، کشته شدن کودکان و سوءاستفادهٔ جنسی از آنان در کشور افغانستان رو به افزایش است. آنچه از این گزارش برمی‌آید این است که مشخص‌گردید کودکان قربانی اصلی خشونت و جنگ در افغانستان هستند (Heymann, 2013: 59-60).

هلیده اف. جانسون، مدیر اجرایی یونیسف می‌گوید: این گزارش نشان‌دهنده اوضاع و موقعیت وخیم کودکان در افغانستان است که لحظه به لحظه وخیم‌تر می‌شود. وی می‌افزاید: کشتار و قتل‌عام کودکان، تخریب مدارس به هنگام حضور دانش‌آموزان، سوءاستفاده جنسی از کودکان و مسائل دیگر از موارد خشونت علیه کودکان افغان به‌شمار می‌رود. این در حالی است که کودکان ۱۲ساله چه دختر و چه پسر به منظور عملیات شهادت‌طلبانه و حملات انتحاری به خود بمب بسته و به پایگاه‌های نظامیان آمریکایی‌حمله می‌کنند و جان خود را بر سر این موضوع از دست می‌دهند. براساس برخی گزارشات در یک حملهٔ هوایی که در افغانستان به وقوع پیوسته است، دست کم ۳۰ تن از ٤٧ نفر جان‌باختگان کودکان بوده‌اند که این آمار بسیار نگران کننده است (Heymann, 2013: 64).

همچنین کودکان و نوجوانان بین سنین ۱۵ تا ۱۷سال اغلب ربوده شده و برای فروش به کشورهای دیگر قاچاق می‌شوند یا اینکه در کشورهای دیگر به انجام کارهای سخت وادار می‌شوند و نیز کودکانی که یتیم هستند یا در موقعیت و وضعیت بد خانوادگی از نظر اقتصادی به سر می‌برند یا به طور کلی فقیرند، بیش از سایرین در معرض فروش توسط باندهای قاچاق انسان، سوءاستفاده جنسی یا انجام کارهای دشوار قرار دارند. جنگ در افغانستان باعث شده که هزاران کودک کشته یا آواره یا در بدترین شرایط از نظر تغذیه، آموزش، بهداشت و غیره زندگی را سپری نمایند. آنچه مسلم است اینکه کودکان در افغانستان بیشترین صدمات را متحمل شده‌اند. روی آوردن کودکان به شرکت در عملیات‌های انتحاری، سوءاستفاده‌های جنسی، انواع بیماری‌ها و ... نتایجی است که جنگ‌های پی‌درپی برای کودکان افغانی به دنبال داشته است و تاکنون هیچ نهاد یا سازمان بین–المللی نیز نتوانسته است مجرمان چنین جنایاتی را محاکمه نماید. این در حالی است که این کشورها (آمریکا و متحدانش) ندای حمایت از حقوق بشر را سر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

می‌دهند وخودشان را حامیان حقوق بشر در جهان می‌نامند. همچنین تعدادی از کودکان به علت اختلافات فرقه‌ای، مذهبی و سیاسی در افغانستان کشته می‌شوند که بیشتر این وقایع بی‌ارتباط به حضور و اشغال افغانستان توسط بیگانگان نیست (Richards and et. al., 2014: 77-79).

٤-٢. وضعیت کودکان و تأثیر جنگ برآنان در عراق

در دو دهۀ گذشته کودکان عراقی در کنار بقیۀ جمعیت عراق، موضوع نقض‌گسترده و خشونت‌بار حقوق انسانی بوده‌اند. این حقوق به خاطر جنگ، اشغال بیگانگان و تحریم‌های بین‌المللی خلق شده‌اند. عراق هم‌اکنون یکی از بدترین نقاط برای کودکان در خاورمیانه است. بر اثر جنگ در عراق، میلیون‌ها کودک زیر خط فقر زندگی‌می‌کنند، میلیون‌ها کودک زیر ۵ سال از سوءتغذیه رنج می‌برند و ده‌ها کودک روزانه می‌میرند.

از زمان هجوم نیروهای‌آمریکایی و هم‌پیمانانش در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق، نیروهای اشغالگر و دولت عراق به شکلی گسترده نتوانسته‌اند اساسی‌ترین حقوق کودکان عراق را مطابق موازین سازمان ملل در زمینه حقوق کودکان عملی نمایند. این موازین بر نیازها و حقوق کودکان برای زندگی در محیطی امن که شامل شرایط مناسب برای رشد فیزیکی، ذهنی، اخلاقی و مذهبی است تأکید دارد. هرچند در عراق به دلیل وضعیت جاری، جمع‌آوری منظم اطلاعات مربوط به آثار خشونت و تعارض بر کودکان، کاری دشوار است و با وضعیت امنیتی فعلی بسیار مشکل است که بتوان به تعداد کودکان قربانی یا درگیرخشونت به طور کلی اشاره کرد، ولیکن تعداد زیاد کشته، مثله و زخمی متعاقب حملات تروریستی فراوان است. در گزارش دبیرکل سازمان ملل به آماری از خشونت‌ها و نادیده گرفتن حقوق کودکان منتشر شده است. به طور مثال در مارس ۲۰۰٦ در جریان یک حملۀ نیروهای چندملیتی در منطقه «ال اسحاقی»، یک خانواده و ۱۱نفر شامل ۵ کودک که یکی از آنها یک ماهه بوده از بین رفتند. بر اساس اطلاعات وزارت بهداشت که از کانتینرهای بهداشتی و بیمارستان‌های تحت پوشش خود در همه نقاط از جمله کردستان جمع‌آوری کرده، از اول ژانویه تا ۳۱ آگوست ۲۰۰٦م، ۱۳۹ کودک کشته و مجروح شده‌اند. همچنین شرکت کودکان در عملیات انتحاری هم به‌عنوان عامل و هم قربانی وجود دارند. براساس گزارشات سازمان‌های غیردولتی در میان ۲۰۰۰۰ فرد دزدیده شده در عراق نیمی از آنها را کودکان و زنان تشکیل می‌دهند (Ahmed An-Na'im, 2011: 173-176).

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

قدرت‌های فاتح در عراق مسئولیت نقض حقوق کودکان، عهدنامه‌ها و قوانین بین‌المللی را بر دوش خود دارند. این کشورها چارچوب اجتماعی عراق را نابود کرده‌اند. از لحاظ نژادی کشور را پاک‌سازی نموده‌اند تا وحدت را در عراق نابود کنند، سیستم‌های آب تصفیه شده را از بین برده‌اند، امکانات بهداشتی و آموزشی را تخریب کرده‌اند و مناطق پرجمعیت را مکرر بمباران کرده و در تمامی این موارد به زندگی کودکان آسیب‌های جدی وارد نموده‌اند. همچنین، زندگی در کشوری جنگ‌زده به روان کودکان آسیب‌های مخرب وارد کرده و اضطراب و افسردگی را همراه با بیماری‌های روانی، در شکلی گسترده در کشور پخش کرده است. بر اثر جنگ، سازمان‌ها و نظام‌های داخلی کشور عراق که باید از وضعیت فیزیکی، اجتماعی و حقوقی کودکان، زنان و جوانان این‌کشور حمایت کنند، نابود شده یا به نوعی ناکارآمد شده‌اند. در نتیجه، کشور عراق را روند روزمرهٔ قتل، سرقت، آدم‌ربایی، خشونت‌های جنسی، قاچاق انسان، سربازگیری اجباری برای گروهک‌های مسلح، کار غیرقانونی کودکان و منع آزادی‌های اجتماعی در برگرفته است.

سازمان‌های بین‌المللی و ارگان‌های مدافع حقوق بشر نیز در این میان بیشتر از همه مسئول نادیده گرفتن حقوق کودکان هستند. زیرا این‌سازمان‌ها و ارگان‌ها نتوانسته‌اند مسئولیت خود را دربارهٔ هشدارهای کافی در مورد جلوگیری از خشونت علیه جوانان و کودکان و جامعهٔ شکنندهٔ عراق به درستی انجام بدهند و نیز نتوانسته‌اند خطرهای موجود را در زمان مناسب خود تشخیص و درمان کنند. هرچند آمار و ارقام واقعی در مورد مرگ و مجروح شدن کودکان در عراق منتشر نمی‌شود، اما برخی گزارشات حکایت از آن دارد که بیش از یک میلیون کودک تا ژانویهٔ ۲۰۱۱ قربانی یورش کشورهای غربی به عراق شده‌اند. براساس بیانیهٔ ۸ آگوست ۲۰۱۱ سازمان ملل متحد، کودکان بسیاری به شکل‌های غیرمستقیم قربانی این جنگ شده‌اند. کودکان از طریق بیماری‌ها، قحطی یا نبود غذای کافی، اقتصاد از هم پاشیده، نبود فرصت‌های کافی برای زندگی، تغییرهای زیست‌محیطی و نبود خدمات دولتی کافی، حذف حقوق بشر از زندگی روزمرهٔ مردم و جابه‌جایی‌های گستردهٔ جمعیت باعث آسیب‌های فراوان شده‌اند. همچنین، نابودی تأسیسات صنعتی و نظامی باعث شده است تا فلزات سنگین و دیگر مواد آلوده‌کننده و آسیب‌زننده در هوا، خاک و آب پخش شوند. در نتیجه، اپیدمی‌های بیماری گسترش یافته و امکانات کافی برای مقابله با این اپیدمی‌ها وجود نداشته باشد. امروزه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ما شاهد تولدهای همراه با نقص ژنتیک و سرطان در جمعیت کودکان عراق هستیم و برخی مناطق این کشور عملاً غیرقابل زندگی شده است. پزشکان متخصص در منطقه «فلوجه» عراق می‌گویند: از سال ۲۰۰۵ تاکنون بیماری‌های نایاب به شدت و به طور گسترده در جمعیت این منطقه گسترش یافته است. سرطان، مخصوصاً سرطان خون در عراق به شدت روبه افزایش است. مشکلات ژنتیکی در کودکان، آنها را از زمان تولد مستعد سرطان ساخته و این مورد از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ سال به سال روبه افزایش بوده است. بمب‌های منفجرنشده، مین‌های زمینی، بمب‌های خوشه‌ای عمل نکرده باعث شده تا حدود ۲۵% کودکان زیر۱٤ سال عراق کشته یا مجروح شوند. براساس‌آمارهای ناقص، کشته‌ها و زخمی‌های بمب‌های خوشه‌ای عمل نکرده بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۷ میلادی، ۵۵۰۰ تا ۸۰ هزار کودک را تحت تأثیر خود قرار داده است که از این تعداد ٤۵/۷ % بین ۱۵ تا ۲۹ سال سن داشته و ۲۳/۹% زیر ۱٤سال بوده‌اند(The OIC Journal, 2013: 49-51).

٤-۳. وضعیت کودکان وآثار جنگ برآنان در سایرکشورهای اسلامی

در لبنان به واسطه جنگ با اسرائیل در تابستان ۲۰۰٦ میلادی بیش از یک میلیون نفر آواره شده که از این تعداد ٤۰% آنها کودک بوده‌اند و حدود ۹۸۷ نفر کشته شده که ٤۵% آنها را کودکان تشکیل می‌داده‌اند. حدود ٤۰ الی ۵۰ مدرسه در لبنان به علت بمباران‌ها تخریب شده و کودکان لبنانی حتی از دسترسی به کمک‌های بشردوستانه محروم بوده‌اند. براساس بیانیه «آقن‌دن روهرمن»، نماینده ویژه در فلسطین اشغالی‌که در آگوست ۲۰۰٦ منتشر شد، برای ۱/٤٤ میلیون فلسطینی ساکن «غزه» که ۸۳۸۰۰۰ نفرآنان را کودکان تشکیل می‌دهند، وضعیت بحرانی به واقعیتی روزمره تبدیل شده است. وی می‌گوید: در بازدید اخیر خود از «غزه» به وضوح دیدم که کودکان این سرزمین در فضایی آکنده از خشونت، ترس و اضطراب به سر می‌برند. تنها طی ماه گذشته حدود ۳۵ کودک فلسطینی در «غزه» کشته شدند که یک چهارم آنها زیر۱۰سال سن داشتند. این واقعه تعداد کل کودکان فلسطینی کشته شده در نوار غزه را به ٦۵ نفر رساند. این دومین بار از زمان انتفاضه سپتامبر۲۰۰۰ است که میزان تلفات به چنین حدبالایی می‌رسد. امسال با کشته شدن یک کودک اسرائیلی تعداد کل کودکان کشته شده در این سرزمین را به ٦٦ نفر رساند. از زمان آغاز انتفاضه ۹۱۲ کودک جان خود را از دست

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

داده‌اند که از آن میان ۱۱۹ کودک اسرائیلی بوده‌اند(Arfat, 2013: 304-305).

در سومالی استفاده از کودکان سرباز که از کودکان سابق خیابانی بوده‌اند، رواج دارد. براساس آمار از مارس تا ژوئن ۲۰۰۶ جنگ سنگین بین نیروها باعث نقض حقوق بشر کودکان و آواره شدن هزاران کودک به همراه خانواده‌های خود شده است. کودکان در این کشور آفریقایی به علت جنگ‌های به وجود آمده در بحران غذایی شدید به‌سر می‌برند و نیاز به یاری دارند. عدم تغذیه کافی و مؤثر منشأ بسیاری از بیماری‌هاست که وضعیت بهداشتی مردم و به خصوص کودکان سومالی را تحت تأثیر قرار داده است. خوزه گرازیانو دوسیلوا، مدیرکل سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) هشدار داده است که اگر به مردم قحطی‌زدهٔ این منطقه کمک نشود آنها جان سالم از شرایط حاکم به در نخواهند برد. وی می‌گوید: منطقه شاخ آفریقا، مهم‌ترین منطقه برای «فائو» خواهد بود و ما بیشترین تلاش‌خود را برای بهبود امنیت غذایی در این منطقه انجام می‌دهیم. به کارگیری کودکان در جنگ از دیگر موارد تضییع حقوق کودکان در سومالی است که به طور مستقیم در نزاع‌ها دخالت داده می‌شوند و از آنها گاهی در خط مقدم درگیری‌ها استفاده می‌شود. ناامنی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی از جمله موارد نقض حقوق کودکان در این کشور است(OIC Independent Permanent Human Rights Commission, 2014: 1-3).

بر اثر جنگ‌های داخلی، دیگر جای امنی برای کودکان در سومالی وجود ندارد. دیده‌بان حقوق بشر در مورد وضعیت کودکان سومالی در جریان جنگ‌های داخلی ابراز نگرانی می‌کند و گروه «الشباب» را به استفاده از کودکان به‌عنوان سرباز در این جنگ‌ها متهم می‌کند. این سازمان در گزارش‌خود تأکید نموده که گروه تندرو «الشباب» از میان کودکان سرباز انتخاب و در برخی مواقع آنها را ملزم به ازدواج اجباری می‌کند. اعضای این گروه به مدارس و معلمان حمله می‌کنند و بعضاً آنان را مورد آزار و اذیت–های جنسی قرار می‌دهند. این گزارش پس از گفت‌وگوی دیده‌بان حقوق بشر با تعدادی قریب به ۱٦٤کودک سومالیایی به دست آمده است که ۲۱ تن از آنها توانسته‌اند به همراه بعضی از معلمان و والدینشان از دست نیروهای «الشباب» فرار کرده و به کنیا بروند.

از زمانی که درگیری‌ها، در سومالی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ شدت گرفته، «الشباب» کودکان را مجبور کرده به‌عنوان سرباز به‌آنان بپیوندند و در این بین کودکان ۱۰ساله نیز به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

چشم می‌خوردند. کشته شدن کودکان یکی‌دیگر از عواقب جنگ در سومالی است. به‌گفته یک دانش‌آموز از بین ۱۰۰ نفر بچه که در یک مدرسه درس می‌خواندند، فقط چند نفر که تعدادشان انگشت شمار بود موفق به فرار شده و بقیه این کودکان در جنگ کشته شده‌اند. این گزارش حکایت از این دارد که گروه «الشباب» از دختران در ارائهٔ خدمات و مبارزه در خطوط مقدم جنگ استفاده می‌کند. به عنوان مثال آنان را برای همسری سربازان انتخاب می‌کردند و چنان‌چه خانواده‌هایی با آنها به مقاومت می‌پرداختند با بدرفتاری و حتی مرگ مواجه می‌شدند (OIC Independent Permanent Human Rights Commission, 2014: 3-6).

٤-٤. سازمان کنفرانس اسلامی و تلاش برای میثاق حقوق کودک

میثاق حقوق کودک در اسلام حاصل کوششی است که درون سازمان کنفرانس اسلامی برای حمایت از کودک صورت گرفته است. در پیشینه تصویب این میثاق می‌توان به بیانیه حقوق و مراقبت از کودک در جهان اسلام مصوب دهمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی (جلسه دانش و اخلاق در پیشرفت امت اسلامی)، مالزی در اکتبر سال ۲۰۰۳ اشاره کرد. در مقدمهٔ این میثاق که شامل پانزده بند می‌باشد به نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی، اعتقاد به حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از اسلام، نیز لزوم گسترش عملکرد اسلامی در بخش کودک، اتخاذ راهکار و اقدام جدی و مؤثر برای حمایت از کودک و نگرانی از تضعیف خانواده و تداوم الگوهای فرهنگی منسوخ اشاره شده است(Bennett Woodhouse, 2012: 303).

میثاق دارای۲٦ ماده است که گذشته از مقدمه و اصول و اهداف، تمهیداتی در ارتباط با سن کودک، برابری، حق حیات، هویت، استحکام خانواده، آزادی‌های شخصی، آزادی تجمع، پرورش، آموزش و فرهنگ، اوقات فعالیت و استراحت، استاندارد زندگی اجتماعی، بهداشت کودک، حمایت از کودک معلول و دارای نیازهای خاص، کار کودک، عدالت، مسئولیت والدین و حفاظت در مقابل رویه‌های مضر و کودکان پناهنده دارد. مقدمهٔ این میثاق در ارتباط با حقوق بشردوستانه قابل تأمل است. با توجه به اینکه کودکان به‌عنوان جزئی از بخش آسیب‌پذیرجامعه، بار عمدهٔ رنج ناشی از بلایای طبیعی و ساخته دست انسان که منجر به پیامدهای غم‌انگیز همچون بی‌سرپرستی، آوارگی، بهره‌کشی از کودکان در ارتش یا کار سخت، پرخطر و غیرقانونی می‌شود، را به دوش می‌کشند و همچنین با توجه به رنج کودکان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

پناهنده و کودکانی که تحت سیطره اشغال، مرارت و آوارگی ناشی از منازعات مسلحانه و قحطی به سر می‌برند و بدین‌سان موجبات گسترش خشونت در میان کودکان و افزایش تعداد کودکان معلول جسمی، روحی، اجتماعی را فراهم می‌سازد (Kayaoglu, 2013: 10-16).

با این که در مقدمه کم وبیش به اهمیت و آثار ناشی از تعارضات مسلحانه بر کودکان در کشورهای اسلامی توجه شده است، ولیکن در بندهای اجرایی فقط دو ماده است که از منظر حقوق بشر دوستانه قابل تأمل است. اول بند ۵ ماده ۱۷ که می‌گوید: «حفاظت از کودکان به واسطه عدم درگیر نمودن آنها در منازعات مسلحانه و جنگ‌ها» و دیگری ماده ۲۱ که می‌گوید: «کشورهای عضو این میثاق تا حدامکان بهره‌مندی کودکان پناهنده یا آنهایی‌که به طور قانونی، مشابه چنین وضعیتی را اکتساب نموده‌اند، ازحقوق مقرر شده برای ایشان در این میثاق مطابق قوانین داخلی خود تضمین خواهند نمود». پروتکل الحاقی به منشورحقوق بشر و مردم آفریقا درباره زنان در ژوئیه سال ۲۰۰۳ توسط اجلاس سران اتحادیه‌آفریقا در موزامبیک تصویب شد و در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۵ پس از امضای ۲۵ کشور آفریقایی لازم‌الاجرا گردید. چارچوب حقوق پروتکل انعکاسی از نیازها و حمایت از زنان در برابر موارد خاص نقض حقوق بشر آنان است. به ویژه در زمینه خشونت علیه زنان و آثار تعارضات مسلحانه. این پروتکل دارای مقدمه و ۲۷ ماده است. پروتکل در ماده ٤ در بیان حق امنیت فیزیکی و عاطفی می‌گوید که زندگی و تمامیت وجودی زنان مورد احترام است و بنابراین، دولت‌ها باید در این خصوص اقداماتی به عمل آورند. بندهای «ج و د» این ماده می‌گوید: «دولت‌ها باید اقداماتی برای تحقق امنیت جسمی و عاطفی زنان به عمل آورند. آنها می‌باید دختران و زنان را علیه تجاوز و یا تمام اشکال دیگر خشونت مانند قاچاق دختران و زنان حمایت کنند و نیز اطمینان دهند که در زمان تعارض و یا جنگ، تجاوز، آزار جنسی، خشونت علیه دختران و زنان به‌عنوان جنایت جنگی تلقی می‌شود و عاملان و آمران آن تنبیه می‌شوند» (Petersen, 2012: 13-17). اما به‌رغم این تلاش‌ها، به نظر می‌رسد که ضعف ساختارهای سیاسی در کشورهای اسلامی به خصوص در کشورهایی که در فرایند دولت– ملت‌سازی با شکست مواجه شده‌اند، در کنار عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون دخالت دولت‌های محافظه‌کار و قدرت‌های جهانی برای گسترده‌تر نمودن منازعات در این کشورها، منجر به گسترش درگیری‌های فرقه‌ای در جهان اسلام و تضییع حقوق غیر نظامیان به خصوص حقوق کودک شده است.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

بحث و نتیجه‌گیری

مهم‌ترین مسئله امنیتی امروزه در جهان اسلام درگیر در منازعات مسلحانه داخلی، وضعیت بد غیرنظامیان به خصوص کودکان است که به سیمای اصلی جوامع اسلامی تبدیل شده است. در نگاه اول و از دیدگاه مؤسسات صلح و تحلیلگران غربی، ضعف ساختاری و نبود قواعد حقوق جنگ برای غیرنظامیان و به خصوص منشور حقوق کودک در کشورهای اسلامی، وضعیت غیرنظامیان در کشورهای اسلامی دچار جنگ داخلی را بدتر نموده است. اما به‌رغم همه انتقادات و رویه‌های موجود در ارتباط با حقوق غیرنظامیان و به خصوص کودکان در کشورهای اسلامی، به نظر می‌رسد که این رویه‌ها با ذات و هدف اسلام در تضاد اساسی باشد.

در واقع، برای پرسش بدین پاسخ که آیا رویه‌های موجود در ارتباط با حقوق کودکان در جهان اسلام با هدف و غایت اسلام تناسب دارد؟ دو مسئله از اهمیت برخوردار است: نخست آنچه که آشکار است، انسان و تعالی انسان در اسلام از اهمیت به سزایی برخوردار است و جنگ در اسلام نه تنها هدف اصلی نیست، بلکه در قالب یکی از انواع جهاد، به صورت اساسی در گسترش مرزهای اسلام از اهمیت برخوردار است. دوم، به نظر می‌رسد با توجه ضرورت جنگ در اسلام و مقتضیات آن، اسلام چه در قرآن به عنوان سند مکتوب فقه اسلامی و چه در سیره پیامبر و ائمه معصومین، همواره حقوق غیرنظامیان در جنگ را به رسمیت شناخته است و آیه‌های متعدد در قرآن و رویه‌ها و گفتارهای پیامبر (ص) و معصومین (ع) مؤیدی بر این ادعاست. از طرف دیگر، فقه اسلامی نیز در دوره‌های بعد از معصومین، چه فقه سنی و چه فقه شیعه، همواره سعی در نهادمندسازی حقوق غیرنظامیان در جنگ به خصوص کودکان داشته‌اند، تا جایی که که همواره بر عدم تعرض به کودکان، تأمین معشیت آنان و عدم سربازگیری از آنها تأکید کرده‌اند. در نتیجه، به نظر می‌رسد که حقیقت اصلی عدم رعایت حقوق غیرنظامیان به خصوص کودکان در کشورهای اسلامی دچار مخاصمات مسلحانه، نه ناشی از ضعف قواعد و حقوق اسلامی، بلکه ناشی از ضعف ساختارهای سیاسی جهان اسلام دارد. تا جایی که تدوین منشور کودک در سازمان کنفرانس اسلامی نیز، نتوانسته به خوبی این ضعف را برطرف سازد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منابع

قرآن کریم

آبادی، احمد (۱۳۸۹). *حمایت از غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه*. دبیرخانه‌اسلام و حقوق بشردوستانه.

حدیری، علی (۱۳۹۵). «تحول حقوق کودک دراسلام و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق کودک». *سایت باشگاه اندیشه*.

سید قطب (۱۳۵۵). *زیربنای صلح جهانی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

صفائی، سیدحسین؛ قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۷۷). *حقوق مدنی، اشخاص و محجورین*. تهران: سمت.

ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). *اسلام و حقوق بین‌الملل*. تهران: انتشارات گنج دانش.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. جلد ۱۷. تهران: کانون انتشارات محمدی. چاپ سوم.

عبادی، شیرین (۱۳۸۹). *حقوق کودک (نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران)*. تهران: انتشارات روشهر ومطالعات زنان.

علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۸). «حقوق بشردوستانه در اسلام». *حقوق بشر*. سال چهارم. شماره ۱.

مصفا، نسرین (۱۳۸٦). میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی. *مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*.

ـــــــــ (۱۳۸٦). کودکان وجنگ. *مجموعه مقالات همایش حقوق کودک*. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. تهران.

الطبرسی، ابوعلی (۱٤۱۵). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.

علامه‌حلی (حسین بن یوسف‌بن مطهراسدی) (۱٤۱۹). *تذکره الفقهاء*. نشر مؤسسه آل‌البیت. جلد ۱٤. چاپ اول.

Ahmed An-Na'im, Abdullahi (2011). *Muslims and Global Justice*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.

Arfat, Shabina (February 2013)." Islamic Perspective of the Children's Rights: An Overview". *Asian Journal of Social Sciences & Humanities*. Vol. 2. No. 1.

Bennett Woodhouse, Barbara (2012). *Religion and Children's Rights*. In John Witte, Jr. and M. Christian Green, eds. Religion and Human Rights: An Introduction. New York: Oxford University Press.

Heymann, Jody (2013). *Children's Chances: How Countries Can Move from Surviving to Thriving*. Cambridge. Mass: Harvard University Press.

Kayaoglu, Turan (2013). *A Rights Agenda for the Muslim World*. Brookings Doha Center Publications.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

Mounshipouri, Mahmood and Kaufman, Claire (2015). *The OIC, Children's Rights and Islam*. Danish Institute for Human Rights Denmark's National Human Rights Institution.

Mosaffa, Nasrin (October 2011). "Does the Covenant on the Rights of the Child in Islam Provide Adequate Protection for Children Affected by Armed Conflicts? ". *Muslim World Journal of Human Rights*. Vol. 8. Issue 1.

OIC Independent Permanent Human Rights Commission Concludes its Fifth Regular Session (June 2014). available at << http://oichumanrights.wordpress.com/>>

Petersen, Marie Juul (2012). *Islamic or Universal Human Rights? The OIC's Independent Permanent Human Rights Commission*. Danish Institute for International Studies.

Richards, John Waterbury; Melani Cammett and Ishac Diwan, eds. (2014). *A Political Economy of the Middle East*. Third Edition. Boulder. CO: Westview Press.

Sharp, Jeremy (2017). *Yemen: Civil War and Regional Intervention.* Congressional Research Service.

The OIC Journal (September-December 2013). 4th Islamic Conference of Ministers in Charge of Childhood: Pledges to Improve Equal Access to Decent Living Conditions for Urban Children in the Islamic World.

The UNICEF (November 2005). *Investing in the Children of the Islamic World*, New York: The United Nation Children's Fund. available at http://www.unicef.org/publications/files/Investing_Children_Islamic_World_full_E.pdf.

United Nations Human Rights, Office of High Commissioner for Human Rights, The Covenant on the Rights of the Child, available at <<http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/crc.aspx>>. Accessed on June 5, 2014.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۶

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۶)، «حقوق کودک در اسلام و خشونت‌های سیاسی جهان اسلام » فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۷، ش۲، تابستان ۹۶، صص ۱۶۷-۱۴۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]